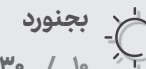
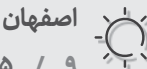


حدیث روز:
امام حسین(ع)، هرکس به غیر تودل ببندد، زیان کرده‌است

واحه:
به سودای تومشغولم زغوغای جهان فارغ ز هجر دلت می‌ایمن زوصل جاودان فارغ

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۷/۵۵
اذان مغرب: ۱۸/۱۱
اذان صبح (فردا): ۴/۳۲
طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۸

وضعیت آب و هوای امروز



امروز در تاریخ:

📅 بازگشت اهل بیت سیدالشهدا(ع) به کربلا(۶۱ ق)
📅 درگذشت حسین ناصحی، آهنگساز برجسته ایرانی(۳۵۶ش)
📅 سقوط سوسنگرد در جریان جنگ تحمیلی(۱۳۵۹ش)
📅 درگذشت ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت‌موقت(۱۳۹۶ش)

حکمت ۲۵۰:
📖 خدا را با به هم خوردن تصمیم‌ها و گشوده‌شدن عزم‌ها و شکستن آهنگ‌ها شناختم.



دانشگاه علامه نمی‌سازد



علیرضا راقتی

روزنامه‌نگار

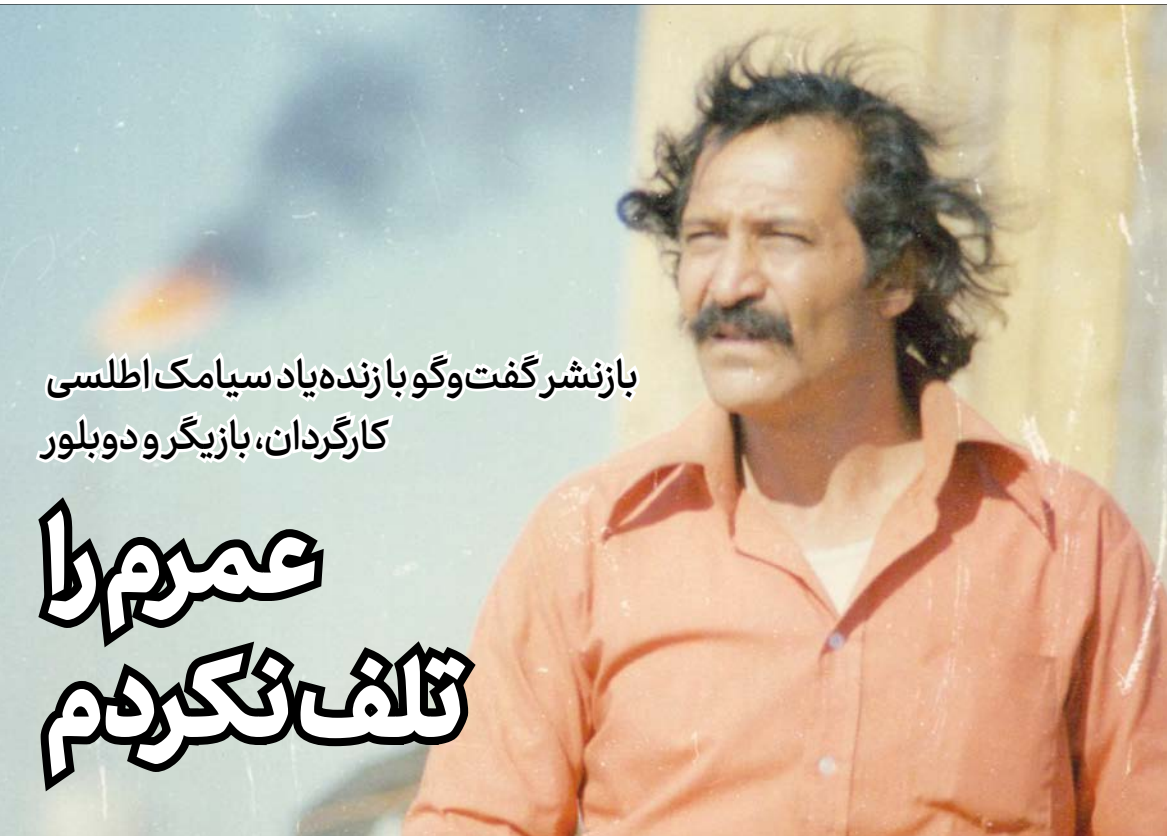
🕒 دهه ۳۰ بود و زمزمه‌های پیشرفت در دنیای غرب تازه بین مردم کوچه و بازار خودمان اوج گرفته بود. تازه دانشگاه تهران شکل گرفته بود و مطبوعات سر و شکلی گرفته بودند و کافه‌ها به شکل پارسی گوشه‌گوشه شهر سرپراورده و مردم یادگرفته بودند سیگار بکشند و قهوه بنوشند و بحث روشنفکری بکنند. همین جو غالب کافی بود که یک استاد در دانشگاه تهران مقاله تندی علیه یک طلبه جوان بنویسد و روزنامه اطلاعات آن را منتشر کند. حسن زاده‌آملی که آن روزها طلبه جوانی بود و سری در علوم هیئت و ریاضیات و هندسه داشت یک کسوف را پیش‌بینی کرده بود و احتمال وقوع کسوف به استناد حرف طلبه جوان، زمزمه دهان مردم کوچه و بازار شده بود. استاد دانشگاه تهران در مقاله تندی که در روزنامه اطلاعات منتشر شد، حسن زاده را بی‌سواد خواند و مضمون مقاله‌اش این بود که این کارها تخصصی است و تخصص آن هم بین دانشمندان دانشگاهی یافت می‌شود که درس آکادمیک نجوم را خوانده‌اند نه طلبه‌ای که نجوم را نزد اساتید قدیمی یادگرفته. مردم هم در کافه‌ها و خیابان‌ها حرف‌های استاد دانشگاه را در روزنامه خوانده و سری تکان دادند و به حال طلبه جوان و حوزه علمیه‌ای که فکر می‌کنند می‌توانند در همه چیز ورود کنند، نیش‌خند زدند. زمان گذشت و روز موعود فرارسید و همان شد که حسن زاده گفته بود. کسوف اتفاق افتاد و روزنامه اطلاعات مجبور شد در مطلبی از مردم و طلبه جوان بابت مقاله منتشرشده عذرخواهی کند.

این‌توع اتفاقات در زندگی علامه حسن زاده‌آملی کم پیش نیامد. مباحله‌هایی که با اهالی دانشگاه شکل می‌گرفت و هربار، اساتید دانشگاه و دانشمندان آکادمیک، حیرت‌زده علم و تخصص علامه می‌شدند. برای اهالی دانشگاه که هفت،هشت سال عمر دانشجو را می‌گیرند و در عوض پاس کردن چند واحد درسی یک مدرک دکترا به دانشجوی می‌دهند که فقط تخصص در یک رشته را اعتبار می‌بخشد، سخت است باور کنند کسی بتواند در رشته‌ها و علوم مختلف متخصص شود و صاحب نظر. چنین چیزی در چارچوب محدود آموزش آکادمیک نمی‌گنجد. علامه به معنای کسی است که در چند رشته مختلف صاحب علم و نظر باشد؛ چیزی که رشته‌اش در نظام آکادمیک هنوز طرح‌ریزی نشده است.👈

ج‌ا‌م‌ا‌ی‌ا‌ی‌ا

شاپا: ۳۶۳۷ - ISSN ۱۷۳۵
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamonline.ir
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۶ مهر ۱۴۰۰ | ۲۱ صفر ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۰۴۳ | Tuesday - September 28 , 2021



بازنشر گفت‌وگو با زنده‌یاد سیامک اطلسی کارگردان، بازیگر و دوبلور

عمرم را تلف نکردم

طاهره آشتیانی
روزنامه‌نگار

🕒 کرونا چقدر نامرد است، انگار دوره افتاده و دست می‌گذارد روی آدم‌های خوب و آنها را می‌برد. سیامک اطلسی یکی از همین آدم‌های خوب بود. روز یکشنبه که خبر رسید این بازیگر و دوبلور توانمند به دلیل ابتلا به کرونا از دنیا رفته، چقدر افسوس خوردم. اطلسی علاوه بر این‌که بازیگر توانمندی بود در دوبله هم کارهای خوبی را گویندگی کرده است. اما در کنار حرفه‌اش، آدم خوبی بود. بیشتر سال‌های عمرش کارگروهی انجام داده اما هیچ‌کس را پیدا نمی‌کنی که از او گله‌ای داشته باشد یا از او بد بگوید. در این روزگار «آدم خوب» بودن کار ساده‌ای نیست. بهمن سال ۹۷ با او هم صحبت شدم. شفاف و صادق جواب سوآلاتم را داد. حالا که برای همیشه از این دنیا رفته، خواندن جواب‌های او خالی از لطف نیست و پی بردن به این نکته که برای خوب زندگی کردن مصمم بوده است.

راضی از زندگی

اگر بخواهم از اصطلاحات رایج امروزی استفاده کنم باید بگویم خوب مانده است! ۸۲ ساله است اما نه ظاهرش نشان می‌دهد و نه روحیه‌اش. هنوز مثل سابق بازی می‌کند و در دوبله هم فعال است. هنوز مثل جوانی هایش عاشق دوبله است. در صدایش می‌توان تله‌هجه آذری را شنید. متولد ارومیه است اما سال‌هاست در تهران زندگی می‌کند. سیامک اطلسی از معدود آدم‌هایی است که با او هم صحبت شده‌ام و به زبان آورده که حالش خوب است. همین‌طور الکی نه! برای زندگی‌اش برنامه داشته و الان از جایی که ایستاده و مسیری که

زیاده‌خواه نیستم

این‌که یک هنرمند و بازیگر چنین به کارنامه‌اش افتخار می‌کند، نکته‌ای است که این روزها کمتر آدمی از آن لذت می‌برد. به این بازیگر می‌گویم رضایت‌مندی درونی شما ریشه در چه دارد و او می‌گوید:

هیچ وقت از خواسته‌ها و اهداف کم‌تر نیامده‌ام.

دوبله همیشه مکان امنی برایم بوده و هست. وقتی نقش خوبی پیشنهاد نمی‌شود تمرکز را بر دوبله می‌گذارم. آن قدر زیاده‌خواه نیستم که برای پول یابری پرکاری‌تن به هر نقشی بدهم. نه گله‌ای از کسی دارم نه شکایتی. هر کسی خودش مسؤول زندگی و انتخاب‌هایش است و نباید دیگران را مسؤول مشکلات یا نافرجامی‌های زندگی‌اش بداند.

سیامک اطلسی و مرحوم حسین شنگ در پشت‌صحنه فیلم راز شب با لالی

📌 روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۲۹
تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۲
سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۸۱۴۱۳
امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
شماره پیامک: ۰۱۱۴۴۰۰۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

از آثار خوب تلویزیون می‌داند و می‌گوید، حتما یادتان هست این سریال چقدر تاثیرگذار بود، چه موجی راه انداخت. همه چیز حساب شده بود. همه عوامل می‌دانستند قرار است به چه نتیجه‌ای برسد آخر کار.

به اطلسی می‌گویم پدرسالار نشان داد اگر در داخل خانواده اختلافی هم هست، اما حال آدم‌ها و ته دل‌شان خوب باشد، از مشکلات گذر خواهند کرد و دوباره آشتی برقرار می‌شود. همین امید به آشتی، همه را دلگرم می‌کرد اما الان اختلاف هست و حال خوب گذشته نیست. به نظرتان چرا مثل دهه ۶۰ که مشکلات زیادی هم داشتیم، حال‌مان روبه‌راه نیست؟

اطلسی در پاسخ به من می‌گوید: نسل‌ها عوض شده‌اند. خواسته‌ها و مطالبات جوانان امروز تغییر کرده. شاید ما دیگر آنها را نمی‌فهمیم، برای همین نمی‌توانیم با آنها آشتی کنیم. شکاف بین نسل‌ها روبه‌روز بیشتر می‌شود. به نظرم ما بیشتر از نسل‌های امروزی می‌دانستیم چه می‌خواهیم. جوان‌های امروز آن قدر در معرض رویدادهای تازه و فناوری هستند که خودشان هم نمی‌دانند از زندگی چه می‌خواهند. نباید به آنها ایراد گرفت به‌رحال هر نسلی خواسته‌ها و روش و سبک زندگی خودش را دارد.

کارنامه‌ام را دوست دارم

از اطلسی می‌پرسم فیلم‌های «مشت»، «سفر پرماجر» و «راز شب بارانی» را کارگردانی کردید که آثار موفقی هم بود اما چرا بعد کارگردانی را ادامه ندادید؟

می‌گوید: شرایط عوض شده، تهیه‌کننده‌ها دیگر روی فیلم‌هایی مثل این آثار سرمایه‌گذاری نکردند. تولید فیلم‌گران شد و خودم توانایی تولید نداشتم، به همین دلیل تمرکز را گذاشتم روی بازیگری و دوبله.

اطلسی عزت نفس خاصی دارد. ۴۰ سال است در سینما، تلویزیون و دوبله فعال است و هرگز از او حاشیه‌ای ندیده و نشنیده‌ایم. سرش به کار خودش است. انگار در دنیایی آرام زندگی می‌کند و اجازه نمی‌دهد این دنیا را تلاطمی به‌هم بریزد. خودش می‌گوید: نقش‌هایم را انتخاب می‌کنم. این جور نیست که هر نقشی را پیشنهاد بدهند بازی کنم. برای کارنامه کاری‌ام زحمت کشیده‌ام و دوست ندارم با آثار سطحی و سیاه خرابش کنم. می‌خواهم مردم خاطره‌یازی در آثاری مانند «آن سوی آتش» و «مختارنامه» و بقیه فیلم‌ها و سریال‌هایم را در ذهن نگه‌دارند. جای تاسف است که ساخت فیلم‌هایی مانند آن سوی آتش در سینمای ایران تکرار نشد.

به اطلسی می‌گویم انکار آن فیلم ساخته شده تادر تاریخ سینمای ایران بماند و به آن اعتبار ببخش. بازیگر سریال «پچه‌های بهشت» می‌گوید: از بازی در سریال مختارنامه هم راضی‌ام. نقش بسیار سختی بود که خوب درآمد و نظر مردم را جلب کرد. وقتی به کارنامه‌ام نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم عرم را تلف نکرده‌ام. برای بازی در سریال مختارنامه زحمت زیادی کشیدم. در یکی از سکانس‌ها روی اسب نشسته بودم مقابل سپاه مختارنامه. چند صفحه دیالوگ داشتم که همه را از حفظ کردم و بایک برداشت به نتیجه رسید و به برداشت دوم نرسید.

طی کرده راضی است. رضایتی درونی که می‌توانی از جملاتش متوجه آن شوی.

سیامک اطلسی برای ما که از دهه ۶۰ کلی خاطره خوب داریم، همان کارگردانی بوده که فیلم سینمایی «مشت» را کارگردانی و خودش هم در آن بازی کرد.

فیلمی که بیشتر اتفاقات روز را پوشش می‌داد، از جنگ گرفته تا اتفاقات اجتماعی و خانوادگی سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب. اطلسی حالا که به سال ۶۲ می‌رود و فلاش‌بک می‌زند، از ساخت این فیلم راضی است. خوشحال است که یکی از پرفروش‌های سینمای ایران را به نام خودش ثبت کرده. می‌گوید: فیلم مشت نه تنها در تهران که در شهرستان‌ها هم به‌شدت با استقبال روبه‌رو شد. سینمادارهای این فیلم را به عنوان فیلم ذخیره نگه داشته بودند و هر وقت فیلم نداشتند یا مشتری‌ان نشان کم می‌شدند، مشت را اکران می‌کردند. اطلسی معتقد است در دهه ۶۰ سینمای ایران اعتباری داشت که الان ندارد. فیلم‌ها به مردم تلنگر می‌زدند و آنها عیب و ایرادهای خود را در فیلم‌ها می‌دیدند و مراقب بودند آنها را تکرار نکنند، چون بر این باور بودند که سینما تاثیر زیادی روی ذهنیت شوخی و سرگرمی شده و دیگر نمی‌توان حرف جدی در آن پیدا کرد، مگر به صورت انگشت‌شمار. تهیه‌کننده‌ها به سمت فیلم‌های کم‌دی رفته‌اند تا به سود برسند و سینما مرجعیتش را از دست داده است. در دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰ همه جور فیلم در سینما ساخته می‌شد؛ جدی شوخی اما هیچ‌کدام سطحی نبود. سینما واقعا آینه‌ای بود مقابل مردم و جامعه.

نسل امروز را درک نمی‌کنیم

سیامک اطلسی در سریال پدرسالار هم بازی کرد. نقش عموی خانواده و پدر آذر (کمند امیرسلیمانی) را بازی می‌کرد. اطلسی، سریال پدرسالار را هم یکی

خودش تلاش کرده و وسایل مختلف اختراع کرده است، همان انسانی که وقتی در خانه نشسته و نیوتن تمایل دارد حالت سکونش را از دست ندهد، مگر این‌که نیرویی او را از این حال سکون خارج کند. همه چیزهایی که در این چند هزار سال تمدن انسانی ساخته شده‌اند هم خواسته‌اند به انسان کمک کنند که حالت سکونش را حفظ کند. از اولین جرقه آتش گرفته تا همین اپلیکیشن‌هایی که داخل‌شان غذا را به صورت آنلاین سفارش می‌دهی و همان‌جا که نشسته‌ای تحویل می‌گیری! پیاده‌روی اربعین در دنیایی که همه چیز دوست دارد حالت راحتی‌اش را حفظ کند، مثل کسی که وسط هواداران یک تیم سیاه‌پوش در ورزشگاه آزادی، یک‌دست سفید پوشیده است. به چشم می‌آید. چون خلاف جهت قانون دنیای امروزی است. آدم‌هایی که هرکدام در شهر و دیارشان برای خودش کنسی هستند و برو و بیایی دارند، اینجا گم می‌شوند در سیل تمام آدم‌هایی که دیگر اسم و رسم‌شان مهم نیست و همه به یک نام خوانده می‌شوند: زائر امام حسین (ع).

انگار قوانین فیزیک روی همه چیز حتی خود انسان صدق می‌کنند. انسان هم طبق قانون اینرسی نیوتن تمایل دارد حالت سکونش را از دست ندهد، مگر این‌که نیرویی او را از این حال سکون خارج کند. همه چیزهایی که در این چند هزار سال تمدن انسانی ساخته شده‌اند هم خواسته‌اند به انسان کمک کنند که حالت سکونش را حفظ کند. از اولین جرقه آتش گرفته تا همین اپلیکیشن‌هایی که داخل‌شان غذا را به صورت آنلاین سفارش می‌دهی و همان‌جا که نشسته‌ای تحویل می‌گیری! پیاده‌روی اربعین در دنیایی که همه چیز دوست دارد حالت راحتی‌اش را حفظ کند، مثل کسی که وسط هواداران یک تیم سیاه‌پوش در ورزشگاه آزادی، یک‌دست سفید پوشیده است. به چشم می‌آید. چون خلاف جهت قانون دنیای امروزی است. آدم‌هایی که هرکدام در شهر و دیارشان برای خودش کنسی هستند و برو و بیایی دارند، اینجا گم می‌شوند در سیل تمام آدم‌هایی که دیگر اسم و رسم‌شان مهم نیست و همه به یک نام خوانده می‌شوند: زائر امام حسین (ع).

همان انسانی که چند هزار سال در جهت راحتی



علی‌رغم تمایل بشر امروز!



علی‌رثوف

روزنامه‌نگار

🕒 سیر پیشرفت دنیا و ادواتی که آدمیزاد برای خودش ساخته را اگر نگاه کنی، متوجه می‌شوی همه این‌ها در خدمت راحتی انسان شکل گرفته‌اند. کالسکه ساخته شده تا بار راحتی را از اسب اهلی شده بکشد. خودرو آمده که کار جابه‌جایی را نسبت به کالسکه راحت‌تر کند و سال به سال خودروهایی با آپشن‌های جدیدتر می‌آیند که خدای نکرده بشر دو پا که نشسته پشت فرمان خودرو، احساس ناراحتی نکند. تا همین امروز که شرکت‌های مثل تسلا، خودروهای بدون راننده‌شان را در خیابان‌ها تست می‌کنند تا آدمیزاد حتی زحمت راندگی هم به خودش ندهد.